گزارش

رویارویی دولت چهاردهم با جریان تندرو بر سر بازگشت استادان و دانشجویان اخراجی

یک پاسخ و چند ادله روشن

شرق: بازگشت استادان و دانشجویان اخراجی از اولین وعده‌های پزشکیان بود. در گرماگرم کارزار انتخاباتی، مسعود پزشکیان بدون واهمه از برخورد تندروها در سه سال گذشته با دانشگاه و ایجاد چالش‌های جدی برای آنها گفت: «با هر اخراجی مخالفم». او که خوب می‌دانست قدم گذاشتن در این مسیر دشوار با مواجهه تندروها همراه است، با صداقت همیشگی گفت: «اولِ انقلاب مسئول گزینش شدم. در دانشگاه یک کارمند و استاد را اخراج نکردم. من چه‌کاره‌ام؟ اگر جرم کرده دادگاه حکم بدهد، اما من چه‌کاره‌ام که اگر با کسی مسئله شخصی دارم او را اخراج کنم. اینها تسویه‌حساب‌های شخصی می‌کنند و تابع هوای نفس می‌شوند. چون تابع هوای نفس هستند رقیب را از میدان به در می‌کنند. چهارتا حرف هم می‌سازند. اگر کسی جرمی مرتکب شده، باید در دادگاه ثابت شود. اما در کمیته‌های انضباطی پرونده‌سازی می‌کنند. من اگر قدرتی داشتم نه‌تنها استاد، بلکه هیچ دانشجویی را به خاطر اندیشیدن اخراج نمی‌کردم. اجازه جابه‌جایی و پرونده‌دارشدن دانشجو را نمی‌دادم. دانشجو که دیوانه نیست. ممکن است سؤالش خوشایند ما نباشد، اما باید با او حرف بزنیم، صدایش کنیم و قانعش کنیم. سؤال را از ذهن انسان که نمی‌شود پاک کرد. در نتیجه این رویکرد، سیاستی است که تا حالا عمل کرده‌ام. تا اینجا که آمده‌ام حق توبیخ به خودم نداده‌ام».

وقتی با رأی مردم راهی پاستور شد این وعده مهم را فراموش نکرد و با انتخاب وزیر علوم در اولین اقدام، مسیر بازگشت استادان و دانشجویان به دانشگاه باز شد.

مسعود پزشکیان در مراسم تکریم و معارفه وزیر علوم با اشاره به اینکه دانشگاه محل نوآوری و خلاقیت است، تأکید کرد: به وزیر گفتم همه اساتید و دانشجویانی که لغو قرارداد یا اخراج کردند را بازگردانید. خبری که با نزدیک‌شدن به آغاز سال تحصیلی جدید رنگ جدی به خود گرفت و توییت استادان و دانشجویان اخراجی نشان از رفع انسداد سه سال گذشته می‌داد. البته این وعده و این پیام مسرت‌بخش خوش‌آیند تندروهایی که بقای خود را در تداوم چنین مشکلاتی می‌دیدند نبود و خود به عاملی برای آغاز حملات به دولت نوپای مسعود پزشکیان شد. البته هرچه حملات تندتر می‌شد، عزم رئیس‌جمهور برای تحقق وعده‌اش بیشتر می‌شد. در واکنش به نقدها، رئیس‌جمهوری در شبکه اجتماعی ایکس با بازنشر ویدئویی از سخنرانی خود در مراسم تودیع و معارفه وزیر علوم نوشت: «دانشجو حق اعتراض دارد. اساتید اخراجی و دانشجویان تعلیق‌شده باید به دانشگاه برگردند». مدیرمسئول کیهان نیز از این رویکرد برآشفت. حسین شریعتمداری در کیهان نوشت: «آقای رئیس‌جمهور به وزیر علوم دستور داده‌اند همه اساتید و دانشجویان اخراجی به دانشگاه بازگردند! اولا، مگر چه تعداد اخراج شده‌اند؟ ثانیا، باید دید به چه علت اخراج شده‌اند؟ ثالثا، بازگرداندن کسانی که اخراج آنها مطابق قانون بوده است یک اقدام غیرقانونی است و رئیس‌جمهور که این‌همه درباره ضرورت اجرای قانون سخن می‌گفت و آن‌همه شعار قانون‌گرایی می‌داد! این اقدامات غیرقانونی باید کار کسانی باشد که در پوشش کارشناس، اطراف رئیس‌جمهور جا خوش کرده‌اند. درست است که آقای رئیس‌جمهور گفته است کارها را به کارشناسان می‌سپارد ولی خود ایشان در این‌گونه امور صاحب‌نظر است و نباید به مشاوران نااهل اجازه بدهد «وفاق ملی» مورد نظر ایشان را به «وفاق میلی»! تبدیل کنند. نباید به هرچه آنها خواستند تن بدهد».

دیروز جوابیه دولت به ادعاهای این رسانه منتشر شد که نشان می‌داد دولت بر سر بازگشت استادان و دانشجویان اخراجی دربرابر تندروها کوتاه نخواهد آمد و برای این منظور نیز ادله‌های روشن و قابل تأملی دارد. در این جوابیه آمده است:

یک/ دستور ریاست محترم جمهوری مبنی بر بازنگری وضعیت اساتید و دانشجویانی که به صورت سلیقه‌ای یا با تفاسیر تنگ‌نظرانه از قوانین دچار محرومیت از تدریس یا تحصیل شده‌اند کاملا در چارچوب قانون و اختیارات قانونی رئیس‌جمهور اسلامی ایران صادر شده است. این دستور نه‌تنها به معنای نقض یا نادیده‌گرفتن قوانین نیست، بلکه تأکیدی بر اجرای دقیق‌تر و عادلانه‌تر قوانین موجود به شمار می‌آید.

دو/ این اقدام در راستای تحقق عدالت در نظام آموزش عالی کشور صورت می‌گیرد. دولت وفاق ملی در عین حال که متعهد به حفظ نظم و وزانت علمی محیط‌های دانشگاهی است، اما رفتارهای فراقانونی و سلیقه‌ای را که آزادی بیان و اندیشه در محیط‌های دانشگاهی را محدود کند، تحمل نخواهد کرد. دولت مصمم به اجرای قانون است، این مسیر با اراده مردم آغاز شده و فضاسازی‌ها و مخالفت‌ها آن را متوقف نخواهد کرد. دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، چنان‌که بزرگان و پیشگامان انقلاب از جمله امام راحل(ره)، مقام معظم رهبری و شهید استاد مطهری تبیین کرده‌اند، محل تضارب آرا و اندیشه‌هاست. از نگاه دولت پویایی و بالندگی علمی کشور در گرو آزادی اندیشه و تبادل نظر در فضایی امن و آرام است. سه/ یادداشت‌نویس روزنامه کیهان در عین حال که از دستور رئیس‌جمهور محترم برای بازنگری در پرونده دانشجویان یا اساتید اخراجی برآشفته اما خود در موضوع دیگری خواهان بازنگری در پرونده دانشجویانی است که آنها را از نظر سیاسی هم‌طیف خود می‌داند. صرف نظر از اینکه این نوع برخوردهای دوگانه و سیاست‌زده چقدر نکوهیده و خلاف شأن رسانه‌ای در تراز جمهوری اسلامی است، طرح این مسئله خود به معنای پذیرش امکان اجحاف در گذشته و تأکید بر ضرورت بازنگری است. با تمام این اوصاف، برای رفع نگرانی روزنامه کیهان، لازم به تأکید است که رویکرد دولت در بازنگری پرونده‌ها، رویکردی جامع و فراگیر است که تمامی موارد احتمالی بی‌عدالتی را در بر می‌گیرد. همچنین در پایان هم تأکید شده است: «دولت وفاق ملی، با درک عمیق از اهمیت نقش دانشگاه‌ها در پیشرفت و توسعه کشور متعهد به ایجاد فضایی پویا، عادلانه و قانونمند در محیط‌های دانشگاهی است. ما بر این باوریم که تنها از طریق گفت‌وگوی سازنده، نقد منصفانه و احترام به حقوق تمامی اعضای جامعه دانشگاهی می‌توان به اهداف والای نظام آموزش عالی دست یافت. از رسانه‌ها انتظار می‌رود که در این مسیر حساس و مهم نقش سازنده و روشنگرانه خود را ایفا کنند. رسانه‌ها می‌توانند با انعکاس دقیق و منصفانه، واقعیت‌ها به شکل‌گیری فضای گفت‌وگو و تعامل سازنده میان دولت و دانشگاهیان و جامعه کمک کنند. ما از تمامی رسانه‌ها دعوت می‌کنیم تا با پرهیز از فضاسازی‌های غیرسازنده و جهت‌گیری‌های سیاسی در مسیر ارتقای کیفیت آموزش عالی کشور گام بردارند. بدیهی است که اجرای عدالت و قانون بدون تبعیض و با در نظر گرفتن مصالح عالی کشور، همواره سرلوحه اقدامات این دولت خواهد بود».

هرچند کیهان همچنان بر مواضع خود است و بعید به نظر می‌رسد در مسیر تغییر برای تقویت عقلانیت در توسعه ایران امروز قدمی بردارد، اما با وجود این، کارشناسان سعی می‌کنند با ارائه ادله‌هایی مسیر پذیرش چنین تغییراتی را هموار کنند. در همین مورد احمد زیدآبادی، تحلیلگر مسائل سیاسی در یادداشتی با عنوان «راه‌حل کیهانی» در کانال تلگرامی خود نوشت:

«مشکل اصلی روزنامه کیهان خط‌مشی افراطی آن نیست، مشکلش دو چیز دیگر است. اول اینکه مواضع تندروانه خود را از موضع نظام مطرح می‌کند و به همین دلیل بسیاری محافل، آن را سخنگوی واقعی نظام تصور می‌کنند. دوم، این روزنامه اهل هتاکی و اتهام‌پراکنی و پرونده‌سازی علیه منتقدان است و متأسفانه تاکنون از مصونیت تام برخوردار بوده است. اگر موقعیت سخنگویی کیهان برای نظام به طور رسمی تکذیب شود و مسئولان آن روزنامه، حقوقی بیش از دیگر شهروندان در مقابل قانون نداشته باشند، مشکل حل می‌شود.

تحقق عملی دو شرط فوق اما در صورتی ممکن است که دست‌اندرکاران این روزنامه از تصدی‌گری یک مؤسسه مطبوعاتی حکومتی، به بخش خصوصی کوچ کنند و در آنجا افکار افراطی خود را بدون محدودیت و البته مصونیت دنبال کنند».

گزارش «شرق» از مناسبات تهران و آژانس در دولت چهاردهم

فصل تنش‌زدایی در راه است؟

مالک مصدق: در حالی دولت چهاردهم سکان امور را به دست گرفته که به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین و فوری‌ترین اقدامات رسیدگی به وضعیت پرونده هسته‌ای و نیز بهبود مناسبات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی باشد. در این زمینه دولت سیزدهم روند پرچالشی را با آژانس طی کرد و انبوهی از مشکلات جدی را برای دولت جدید به یادگار گذاشت که وزارت امور خارجه و سازمان انرژی اتمی باید به شکل عاجل درصدد تعدیل شرایط جاری برآیند. اگرچه گزارش جدید آژانس هم لحنی ضدایرانی داشت، اما تصمیم درست مسعود پزشکیان برای دیدار با رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در گام اول می‌تواند پالس مثبتی برای این نهاد و غربی‌ها باشد که دولت تازه‌نفس در تهران نگاهی متفاوت از قبل دارد و به دنبال تنش‌زدایی است. پیرو آنچه گفته شد، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اخیرا در گفت‌وگوی اختصاصی با العربیه به برنامه هسته‌ای ایران پرداخت و با وجود آنکه نسبت به «ادامه انباشت اورانیوم غنی‌شده در این کشور» ابراز نگرانی کرد، ولی در ادامه تصریح کرد «پاسخی از رئیس‌جمهور جدید ایران دریافت کردم و او موافقت کرده است که باید دیدار کنیم». وی توضیح داد: «از رئیس‌جمهور جدید پاسخی دریافت کردم که او پیام قبلی من مبنی بر لزوم تعامل هرچه سریع‌تر برای برقراری گفت‌وگوی سازنده، روان و ملموس به منظور رسیدن به ضمانت‌های معتبر درباره ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران را تأیید کرد». به گفته گروسی، «باید تلاش کنیم این کار را در زمان مناسب و در آینده‌ای نه‌چندان دور انجام دهیم؛ چون در غیر این صورت قطعا بی‌فایده خواهد بود». مدیرکل آژانس اتمی «پاسخ رئیس‌جمهور ایران را نشان‌دهنده وجود پتانسیل برای گفت‌وگوهای تازه میان دو طرف با هدف تضمین ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای ایران دانست». البته گروسی در بخش دیگری از مصاحبه با العربیه، بدون اشاره به همکاری‌های مستمر و همیشگی تهران با آژانس اتمی، بر لزوم افزایش شفافیت و همکاری ایران، به‌ویژه با توجه به پیشرفت در توانمندی‌های هسته‌ای این کشور تأکید کرد. پیش‌تر و هم‌زمان با پیروزی مسعود پزشکیان در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم و آغاز به کار دولت جدید در ایران، رافائل گروسی برای سفر به تهران و دیدار و گفت‌وگو با مقامات جمهوری اسلامی ابراز تمایل کرده بود. این در حالی است که دیپلمات ارشد حوزه هسته‌ای در ادامه گپ‌وگفتش با شبکه عربستانی به اختلافات تهران و آژانس هم اشاره کرد و در تشریح آن افزود: «همچنان نکاتی وجود دارد که باید روشن شود و پاسخ‌هایی باید به آژانس داده شود که تاکنون ارائه نشده است. بنابراین انتظار در جامعه بین‌المللی وجود دارد و من خوشحالم که نامه‌ای از رئیس‌جمهور جدید دریافت کردم». مدیرکل آژانس سپس برای سفر به ایران اعلام آمادگی کرد و گفت: «آماده‌ام به تهران بیایم و به گفت‌وگو ادامه دهم و البته با رئیس‌جمهور جدید همان‌طور که با اسلاف او همین‌طور بوده، تعامل داشته باشم». او در پاسخ به این پرسش که «چرا آژانس اتمی از زمان درگذشت رئیس‌جمهور فقید ایران درباره برنامه هسته‌ای این کشور سکوت کرده و آیا ایران درخواستی برای وقفه در این کار داشته است؟» تأکید کرد: «خیر، به‌هیچ‌وجه این‌طور نبوده است و این وقفه تنها ناشی از تحولات رخ‌داده به دلیل فقدان رئیس‌جمهور و حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه ایران بوده است که با او در تماس مستقیم و منظم بودم». البته در مقابل ادعاهای گروسی، محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، روز جمعه و در یادواره شهدای گلزار آهومحله محمودآباد به پرونده انرژی هسته‌ای ایران اشاره و اظهار کرد: «بیش از ۲۰ سال است پرونده هسته‌ای برای ایران باز شده و استکبار و صهیونیست‌ها عنوان می‌کنند ایران برنامه پنهانی و اعلام‌نشده هسته‌ای دارد و با این ترفند این کانون‌ها می‌خواهند به آژانس انرژی اتمی فشار بیاورند». معاون رئیس‌جمهور تصریح کرد: «آژانس انرژی اتمی، بر اساس ضابطه، هرکس به آن خبری مبنی بر فعالیت هسته‌ای در هر گوشه‌ای از جهان بدهد وظیفه بررسی و رسیدگی دارد و چیدمان این مرکز توسط خود نظام سلطه انجام می‌شود. بنابراین از جنسی که خودشان می‌خواهند چینش می‌کنند و در ۲۰ سال گذشته فشارهای فراوان به ایران آوردند».

برجام قابل احیا نیست؟

ناگفته نماند یکی از نخستین و مهم‌ترین محورهایی که گروسی با العربیه درباره آن سخن گفت، برجام بود. به نوشته نورنیوز، اظهارات مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره این توافق پس از گفته‌های عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، نشان می‌دهد که گروسی به بن‌بست به‌وجودآمده درباره برجام واقف است و به همین دلیل تصریح کرده است که «این توافق از جهاتی به دلیل واقعیت‌های برنامه هسته‌ای ایران زایل شده است». هرچند دلایل گروسی با آنچه ایران به آن معتقد است، تفاوت دارد و وی دلیل این زایل‌شدن را پیشرفت هسته‌ای ایران اعلام کرده، اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران پس از خروج رئیس‌جمهور سابق آمریکا از این توافق و بدعهدی اروپا، تلاش کرد تا راه خود را در صنعتی که به آن نیازمند است، بگشاید و تولید سانتریفیوژهای نسل جدید، افزایش سرعت و میزان غنی‌سازی را در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد. در هر صورت برجام در وضعیت کنونی از کار افتاده و این مهم را عراقچی هم مورد تأکید قرار داده و گفته بود که برجام دیگر به شکل کنونی قابل احیا نیست.

در همین زمینه فایننشال‌تایمز نیز در گزارشی تحلیلی ادعا می‌کند: «تهران همچنان بر حفظ غنی‌سازی اورانیوم و توانمندی‌های تحقیقاتی ایران اصرار دارد، اما بندهای اصلی توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ در سال آینده منقضی خواهد شد و دیپلمات‌های غربی معتقدند حل بحران کنونی نیازمند توافقی جدید است». آن‌طور که انتخاب به نقل از فایننشال‌تایمز نوشته گویا «دولت بایدن علاقه چندانی به انجام مذاکرات جدی ندارد؛ زیرا در آستانه انتخابات قرار دارد. هم‌زمان جنگ اسرائیل و حماس ادامه دارد و به ادعای این رسانه، ایران از گروه‌های شبه‌نظامی منطقه از حزب‌الله لبنان گرفته تا حوثی‌های یمن حمایت می‌کند». یک مقام ارشد دولت آمریکا در گفت‌وگو با فایننشال‌تایمز ادعا کرده «هرچند پزشکیان ممکن است ادبیاتی را که ایران در تعامل با غرب به کار می‌برد یا نحوه تعامل در موضوعات حقوق‌بشری در داخل را تغییر دهد، اما در نهایت تصمیمات مهم در اختیار او نیست. ما همچنان نگرانی‌های بسیار عمده‌ای درباره رفتار ایران داریم؛ ازجمله ادامه حمایت آنها از نیروهای نیابتی در خاورمیانه، ادامه حمایت از روسیه... برخورد با حقوق بشر در داخل و گسترش فعالیت‌های هسته‌ای».

نشریه مذکور ادعاهای خود را این‌گونه ادامه می‌دهد: «وضعیت در کمتر مقطعی از تاریخ جمهوری اسلامی این‌چنین حساس و پیچیده بوده است؛ چون علاوه بر تنش‌های ناشی از جنگ اسرائیل و حماس، پزشکیان در شرایطی سکان هدایت دستگاه اجرائی کشور را در دست می‌گیرد که کشور گرفتار بازی‌های سیاسی و دعواهای جناحی شده است. رئیس‌جمهور جدید ابزارهای محدودی در اختیار دارد. او وارث یک اقتصاد تحریم‌زده و بیمار است. اگر پزشکیان شکست بخورد، ایران همچنان در مسیر یک رویارویی اجتناب‌ناپذیر با غرب بر سر فعالیت‌های هسته‌ای‌اش باقی خواهد ماند. مشکلات اقتصادی همچنان ادامه خواهد یافت و ناامیدی‌های داخلی تشدید خواهد شد. اما اگر او موفق شود، ریاست‌جمهوری‌اش می‌تواند بخشی از تنش‌های داخلی و خارجی را کاهش دهد. این مشکلات از سال ۲۰۱۸ یعنی زمان خروج دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، از توافق هسته‌ای و اجرای سیاست فشار حداکثری در جریان بوده است».

ولی نصر، استاد امور بین‌الملل و مطالعات خاورمیانه دانشکده مطالعات بین‌المللی پیشرفته جانز هاپکینز دراین‌باره می‌گوید: «این یک دوره چهارساله حیاتی است... نتیجه انتخابات فقط یک مهلت است. صرف انتخاب پزشکیان نمی‌تواند سیاست را تغییر دهد یا ما را به مکان دیگری برساند. این روند است که تعیین می‌کند این انتخاب می‌تواند مثمرثمر باشد یا نه. بخش اعظم آنچه پزشکیان قادر به تحقق‌یافتن یا تحقق‌نیافتن آن است، بستگی به دیگر بازیگران قدرتمند درون ایران و اقدامات دولت‌هایی غربی دارد که مدت‌هاست صبرشان از اقدامات تهران به سر آمده و باور چندانی به تغییر آن ندارند». البته این رسانه در ادامه گزارش خود باور دارد که «پیروزی ترامپ در انتخابات ماه نوامبر بر پیچیدگی وضعیت موجود اضافه خواهد کرد. اما منبع مطلعی در ایران خبر داده که حتی اگر ترامپ مجددا به قدرت برسد، تهران علاقه‌مند به مذاکره با او خواهد بود، به این امید که شخصیت معامله‌گر او بتواند گشایشی برای انعقاد یک توافق ایجاد کند». علی واعظ، کارشناس مسائل ایران در گروه بین‌المللی بحران هم به فایننشال‌تایمز می‌گوید: «بهترین نتیجه می‌تواند این باشد که ایران و آمریکا در کوتاه‌مدت به یک سازوکار آرامش در برابر آرامش برسند؛ چیزی مشابه آنچه در سپتامبر سال گذشته به دست آمد که دربردارنده تبادل زندانیان بود و دولت بایدن توافق کرد که شش میلیارد دلار از پول نفت ایران را آزاد کند». واعظ افزود: «درباره اینکه چه چیزی مطلوب است، چه چیزی پذیرفتنی است و چه چیزی ممکن است ناهماهنگی‌ای بین انتظارات ایران و غرب به وجود آورد و از این نظر این گفت‌وگوها بسیار دشوار خواهد بود». در پایان گزارش یادشده قید شده که «برای پزشکیان دستیابی به یک توافق و جلوگیری از بروز یک جنگ منطقه‌ای اهمیت حیاتی دارد. هرچند او درباره طرح‌های اقتصادی دولتش به صورت کلی صحبت می‌کند، اما به احتمال زیاد این اقتصاد است که تعیین می‌کند آیا او می‌تواند شکاف رو به گسترش میان مردم ایران و حکومت را برطرف کند یا خیر».

از قطع‌نامه خردادماه شورای حکام تا گزارش جدید آژانس

گفتنی است که با صدور قطع‌نامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در پنجم ژوئن ۲۰۲۴ (۱۶ خرداد ۱۴۰۳) و درخواست از ایران برای همکاری با بازرسان آژانس بار دیگر برنامه هسته‌ای به کانون اصلی منازعه ایران و غرب بدل شد. هرچند اکنون شاهد تغییر دولت در تهران هستیم، اما در قطع‌نامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از سوی سه کشور اروپایی بریتانیا، فرانسه و آلمان پیشنهاد شده بود، آمده است: «تداوم فعالیت‌های تحقیقاتی بازرسان برای انجام مؤثر فعالیت‌های راستی‌آزمایی آژانس در ایران ضروری است». سه کشور اروپایی در بیانیه‌ای مشترک مدعی شدند «شورای حکام باید ایران را در قبال تعهدات قانونی‌اش پاسخ‌گو کند».

برحسب ادعای این سه کشور، «نه‌تنها برای چنین اقدامی بسیار دیر شده، بلکه ایران باید فورا به‌طور کامل و بدون ابهام با آژانس همکاری کند». پیش‌ازاین سه کشور اروپایی در کوشش برای تشدید فشارها علیه جمهوری اسلامی ایران با ارسال نامه‌ای به شورای امنیت سازمان ملل متحد، اگرچه به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل اشاره‌ای صریح نداشتند، اما یادآور شدند که قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۵ (۲۶ مهر ۱۴۰۴) منقضی خواهد شد و امکان اعمال تحریم‌های بین‌المللی پس از این تاریخ وجود دارد. در نامه تروئیکا قید شده است که «تشدید تنش هسته‌ای ایران، برجام را توخالی کرده و ارزش آن را برای هدف عدم اشاعه [تسلیحات کشتارجمعی] کاهش داده است». دیپلمات‌های غربی و دیگر منابع نزدیک به سه کشور اروپایی بر این باورند که هدف از فرستادن این نامه تلاش برای افزایش فشار بر ایران در داخل شورای امنیت و خرید زمان برای یک راه‌حل دیپلماتیک قبل از انقضای امکان سازوکار مکانیسم ماشه و اعمال مجدد تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران در سال آینده است.

لازم به ذکر است که تهران هم در پی صدور قطع‌نامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در روز پنجم ژوئن، اعلام کرده بود که قصد دارد هشت آبشار سانتریفیوژ جدید را در تأسیسات فردو نصب کند. در گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که روز جمعه ۲۸ ژوئن به دست خبرگزاری رویترز رسیده، آمده است: «بنا بر راستی‌آزمایی‌های آژانس، از زمان آخرین گزارش رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، تاکنون جمهوری اسلامی ایران چهار آبشار سانتریفیوژ از هشت آبشار سانتریفیوژ IR-6 را در واحد یک FFEP (تأسیسات هسته‌ای فردو) نصب کرده است». جمهوری اسلامی ایران هنوز مشخص نکرده است که چه زمانی تزریق اورانیوم را به این سانتریفیوژها آغاز می‌کند. به نوشته روز نو، درباره محتوا و ادبیات قطع‌نامه سوم شورای حکام پس از تصویب برجام می‌توان آن را تندتر از دو مورد قبلی دانست. در کنار آن، قطع‌نامه جدید بیشتر بر مسائل پادمانی و متهم‌کردن ایران به نقض موافقت‌نامه پادمان متمرکز است و گزارش جامعی هم که قطع‌نامه خواستار تهیه آن شده، در این زمینه است. خطر قطع‌نامه هم اینجاست؛ به این معنا که از نظر طرف مقابل دیگر مسئله کاهش تعهدات «داوطلبانه» برجامی ایران مهم و مطرح نیست، بلکه «نقض» موافقت‌نامه الزام‌آور پادمانی را برجسته می‌کند؛ این در حالی است که تهران همچنان خود را متعهد به اجرای این توافق‌نامه می‌داند و واکنش‌ها به قطع‌نامه‌های شورای حکام را در چارچوب آن تفسیر می‌کند.

همین اتفاق خود واجد دلالت‌های خاصی در راستای بازگشت به نقطه صفر و دوران قبل از برجام است و قطع‌نامه اخیر را می‌توان مقدمه‌سازی برای گذار حقوقی و قانونی به دوران فرابرجامی دانست. به موازات این نکات، هشتم شهریور بود که خبرگزاری رویترز ادعا کرد «مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی برای اعضای شورای حکام عنوان کرده ذخایر اورانیوم بسیار غنی‌شده در ایران در ماه‌های اخیر افزایش یافته است و همچنین ادعا شده که با وجود صدور قطع‌نامه در آخرین نشست شورای حکام آژانس، ایران همکاری با آژانس را بهبود نداده است». همچنین یکی از دو گزارش محرمانه سه‌ماهه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که ارائه شده است، ادعا می‌کند ایران ۱۶۴.۷ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد در اختیار دارد که این میزان در مقایسه با گزارش قبلی در ماه می، ۲۲.۶ کیلوگرم افزایش یافته است. بر اساس این گزارش ادعایی، ذخایر اورانیوم غنی‌شده ۲۰ درصد ایران نیز با ۶۲.۶ کیلوگرم افزایش به ۸۱۳.۹ کیلوگرم رسیده است. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین می‌گوید برآوردها نشان می‌دهد ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران از آخرین گزارش سه‌ماهه، ۴۴۹.۵ کیلوگرم کاهش یافته و تا ۱۷ آگوست به ۵۷۵۱.۸ کیلوگرم رسیده است. بر اساس این گزارش، ایران هشت آبشار سانتریفیوژ پیشرفته از نوع IR-6 در سایت فردو اضافه کرده است که مجموع سانتریفیوژهای جدید را به ۱۰ خوشه می‌رساند. البته گفته شده است که سانتریفیوژهای جدید هنوز فعال نیستند و عملیات غنی‌سازی در آنها انجام نمی‌شود. طبق این گزارش، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس انرژی اتمی، مدعی شده است در سه‌ماهه گذشته هیچ پیشرفتی در حل‌وفصل مسائل ادعایی پادمانی و همچنین مجوز بازرسان آژانس که ایران بر اساس حقوق حاکمیتی مصرح در ماده ۹ موافقت‌نامه جامع پادمان لغو کرده، حاصل نشده است. گروسی بر اساس گزارش یادشده امیدوار است «تبادل اولیه او با رئیس‌جمهور پزشکیان در چارچوب یک سفر زودهنگام به ایران و برقراری یک گفت‌وگوی سازنده که به‌سرعت به نتایج ملموس منجر شود، پیگیری خواهد شد». مدیرکل آژانس انرژی اتمی ماه پیش در نامه‌ای به مسعود پزشکیان و تبریک پیروزی او در انتخابات ریاست‌جمهوری، برای سفر به ایران و گفت‌وگو درباره همکاری‌های میان دو طرف اعلام آمادگی کرد. گروسی مدعی است کاهش تعهدات برجامی، دید آژانس بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران را کم کرده است.

با توجه به سطح و نوع اختلافات و شکاف تهران با آژانس و غرب، نور نیوز در تحلیل سمت‌وسوی سیاست خارجی دولت چهاردهم درباره مذاکرات هسته‌ای و پیرو آن احتمال سفر گروسی به تهران، این ارزیابی را داد که «نگرانی‌های تأمل‌برانگیز ایران، واقعیت بسیار مهمی است و تا زمانی که این نگرانی‌ها رفع نشوند، نمی‌توان به آینده مذاکرات و توافقات امید داشت. در صورت رفع این نگرانی‌ها از سوی غرب و با توجه به حُسن نیت جمهوری اسلامی در همکاری با آژانس، می‌توان گمانه‌هایی را درباره آغاز دور جدید مذاکرات لغو تحریم‌ها مطرح کرد. اگر طبق گفته مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، هدف سفر آتی او رفع ابهام‌های واقعی و نه پیگیری ادعاها باشد، ایران هم از آن استقبال خواهد کرد، اما تداوم اقدامات و اتهام‌زنی راه به جایی نخواهد برد».

خبر

سخنگوی دولت چهاردهم: فشار برای انتصابات نسبی و سببی ممنوع

فاطمه مهاجرانی در توییتی اعلام کرد رئیس‌جمهور تأکید کرد از هرگونه فشار برای انتصاب‌های مبتنی بر روابط سببی و نسبی جلوگیری شود. سخنگوی دولت چهاردهم در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: در گفت‌وگویی که با رئیس‌جمهور درباره انتصاب مدیران داشتم، ایشان تأکید کردند انتصاب‌ها باید بر مبنای شایستگی باشد و از ظرفیت‌های زنان، جوانان و اقوام استفاده شود و از هرگونه فشار برای انتصاب‌های مبتنی بر روابط سببی و نسبی جلوگیری شود.

یادداشت

مسئله‌شناسی قیمت‌گذاری بنزین

ادامه از صفحه اول

آیا قیمت بنزین به نسبت دستمزد متوسط اکثریت جمعیت ایران (پنج دهک ضعیف‌تر) ارزان است یا گران؟

۲. هرگاه از اقتصاد بازار و بهینگی آن صحبت می‌شود، یعنی باید همه قواعد آن‌در چهار بازار شامل کار، کالا و خدمات، پول و سرمایه جاری و تعادل میان همه آنها برقرار باشد که در اقتصاد ایران جاری نبوده و نیست و این سال‌های متمادی در چند دهه مغفول مانده است. در این مدت به گزاف رجزخوانی و از اعجاز بازار بدون توجه به شرایط نهادی آن گفته می‌شده است.

۳. اگر مبنای بهای تمام‌شده بنزین باشد، باید ابتدا سراغ بهره‌وری رفت. پالایشگاهی که طبق استاندارد باید با دو هزار نفر کار کند، اما با هفت هزار نفر کار می‌کند! پالایشگاهی که خط تولیدش می‌تواند به مراتب بهتر و ارزان‌تر تولید کند، اما گران‌تر و ضعیف‌تر تولید می‌کند! چرا باید هزینه این ناکارآمدی را مردم پرداخت کنند؟

۴. چرا بنزین مورد توجه این مطلب قرار می‌گیرد که هرازگاهی از تورم عقب می‌ماند و به نسبت دیگر کالاها ارزان می‌شود و می‌گوییم باید گران شود! (فرضا بهای یک لیتر بنزین گاه سه برابر آب آشامیدنی در بازار ایران می‌شود، پس از مدتی به این نسبت عکس می‌شود) اما توجه نمی‌شود که بهای خودرو در ایران -صرف‌نظر از تفاوت در کیفیت- حدود دوونیم برابر مشابه تقریبی خودروی خارجی است. سود ماهانه این تفاوت قیمت چقدر می‌شود؟ بنگاه‌های منتفع و درآمد گمرکی به کجا تعلق دارند؟ چرا باید از هر دو سو مردم هزینه دهند؟ اگر در کویت، هند، چین، ژاپن و... بهای بنزین به مقیاس دلار خیلی گران‌تر است (بدون توجه به درآمد و شاخص رفاه) اما قیمت خودرو در آن کشورها به مراتب ارزان‌تر است (بگذریم از تفاوت در مصرف خودروها و در کیفیت جاده‌ها)؛ سود سپرده‌گذاری تفاوت بهای خودرو در ایران با خارج در ماه چه مقدار می‌شود؟ اگر ۵۰۰ میلیون تومان تا دو میلیارد پرداخت اضافی را در نظر بگیریم، درخواهیم یافت این ملت ایران است که دارد به عوامل تولیدی یارانه می‌دهد نه عکس آن! این چه فاجعه‌ای است که هرساله خودروسازها از زیان انباشته گلایه دارند، اما قیمت سهام آنها با منظورشدن افزایش سرمایه، به مراتب بیش از شرکت‌های سودده رشد کرده است! اسف‌بارتر اینکه به محض اینکه حمایت دولتی از آنها حتی ۱۰ درصد کاهش می‌یابد تا شاید ترغیب به رشد کیفیت شوند، بلافاصله با فشارهای مختلف، خلأ را مجدد پوشش می‌دهند. اقتصاد سیاسی این حوزه که کارآمدی نشان نمی‌دهد اما استمرار رویه دارد، چه پشتوانه‌ای دارد؟!

۵. می‌گویند آنها که چند خودرو دارند یا خودروی چندمیلیاردی دارند، چرا باید هزینه همان بنزین را پرداخت کنند که خودروی او پراید و پژو است؟ یا اصلا بعضی که خودرو ندارند، چرا از این یارانه بی‌بهره باشند! راه‌حل خیلی ساده است؛ می‌توان مالیات بر مصرف هم بر نوشابه و سیگار گذاشت و هم بر مصرف زائد هر چیز دیگر ازجمله بنزین. ولی دقت شود او که خودرو ندارد، تاکسی سوار می‌شود! هزینه مسافرت او تحت تأثیر بهای بنزین قرار می‌گیرد، همچنین میوه و خواربار او!

چرا این نکات از دید این سیاست‌گذاران مغفول مانده است؟! عدل آن است که ابتدا برای این مفاد فکری شود و بعد سراغ بازی قیمت‌ها رفت. اگر با معاش و معاد مردم خردورزانه و عادلانه رفتار شود، قابل دفاع و مبتنی بر حق خواهد بود و این رویکرد از حاکمیت در جامعه دینی بیشتر مورد انتظار است.